

خبر

اختلاف آماری تا ۱/۴ درصد پیش رفت

تورم متوقف شد

● **ایسنا:** گزارش بانک مرکزی از ثابت‌شدن تورم سالانه و البته رشد در شاخص ماهانه و سالانه خبر می‌دهد؛ با این اوصاف اختلاف نرخ‌های اعلامی بین بانک مرکزی و مرکز آمار تا ۱،۴ درصد پیش رفت. به فاصله چند روز از اعلام مرکز آمار مبنی بر کاهش تورم سالانه تا ۰،۲، بانک مرکزی در تازه‌ترین گزارش خود اعلام کرده است که تورم ۱۲ماهه منتهی به آذرماه به ۸،۶ رسید. این نرخ در مقایسه با آبان‌ماه تغییری نکرده و ثابت مانده است؛ اما تغییر شاخص بهای کالا و خدمات در ماه گذشته نشان از رسیدن آن به ۲۵،۲۹ دارد که بیانگر تورم ماهانه ۱،۴ درصدی است. در این حالت تورم ماهانه آذرماه نسبت به نرخ ۰،۶ درصدی ثبت‌شده برای آبان تا حدود ۰،۸ درصد افزایش یافته است. درعین‌حال شاخص دیگر تورمی یعنی تغییرات آذر نسبت به ماه مشابه سال قبل هرچند اندک باز هم رشد دارد. به‌گونه‌ای که تورم نقطه‌به‌نقطه ماه گذشته ۹،۲ ثبت شده؛ اما در آبان‌ماه این نرخ حدود ۹،۱ درصد بوده است.

تحویل ۸ فروند هواپیمای جدید تا پایان سال جاری به ایران‌یر

● **ایرنا:** قائم‌مقام وزیر راه‌وشهرسازی در امور بین‌الملل و تأمین مالی گفت: شرکت هواپیمایی هشت فروند هواپیمای جدید ایرباس و ATR تحویل می‌گیرد. اصغر فخریه‌کاشان افزود: بر اساس قرارداد یکی با شرکت ایرباس امضا شد. این شرکت تا پایان سال جاری یک فروند هواپیمای ۳۲۰ و دو فروند هواپیمای ۳۳۰ دوبرر به ایران‌یر تحویل می‌دهد. او با بیان اینکه قرار است نمایندگان کمپانی ATR چهارشنبه این هفته به تهران سفر کنند، گفت: دور نهایی مذاکرات ایران‌یر با نمایندگان این شرکت این هفته آغاز می‌شود و انتظار داریم هفته آینده قرارداد ایران‌یر با این سازنده هواپیم‌ا امضا شود. قائم‌مقام وزیر راه‌وشهرسازی در امور بین‌الملل یادآور شد: بر اساس مذاکرات قبلی با نمایندگان ATR خرید ۲۰ فروند هواپیم‌ا از این شرکت قطعی شده است؛ اما ایران‌یر می‌تواند ۲۰ فروند هواپیمای دیگر از این شرکت زیرمجموعه ایرباس خریداری کند. فخریه‌کاشان درباره تأمین مالی خرید این هواپیم‌ها یادآور شد: براساس قراردادی که امضا شده، ایران‌یر ۱۵ درصد منابع مالی این هواپیم‌ها را تأمین و ۸۵ درصد دیگر منابع مالی از طریق فاینانس خارجی تأمین خواهد شد.

آغاز برندسازی پمپ بنزین‌ها از ماه آینده

● **ایرنا:**مدیر بازرگانی شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی با بیان اینکه تاکنون مجوز راه‌اندازی ۲۶ برند صادر شده که قرار است از ماه آینده کار خود را آغاز کنند، گفت: قرار نیست در طرح برندسازی قیمت سوخت افزایش یابد. محمدرضا مظلومی در نشست خبری با تشریح جزئیات طرح برندسازی در جایگاه‌های عرضه سوخت کشور، افزود: مجوز فعالیت پنج شرکت نیز در مرحله صدور قرار دارد. او با بیان اینکه ۲۰ تقاضای جدید در حال بررسی است، گفت: تاکنون درخواستی از سوی شرکت‌های خارجی برای برندسازی ارائه نشده است؛ اما در صورت درخواست از طرف آنها، مشکلی وجود ندارد و بررسی می‌شود. مدیر بازرگانی شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی افزود: هم‌اکنون حدود سه‌هزارو ۶۰۰ جایگاه سوخت در کشور فعالیت می‌کنند که ۱۹۱ جایگاه دولتی و بقیه خصوصی است.

مذاکرات چینی‌ها با توتال و شل برای حضور مشترک در ایران

● **تسنیم:** پس از اینکه شرکت ملی نفت ایران با شرکت‌های شل انگلیسی و توتال فرانسه تفاهم‌نامه‌هایی را برای انجام مطالعات توسعه‌ای برخی مایدین نفتی و گازی کشور امضا کرد، شرکت‌های چینی در جلساتی مشترک با نمایندگان شرکت‌های شل و توتال، اعلام آمادگی کردند تا با تشکیل کنسرسیوم‌های مشترکی با این شرکت‌های اروپایی، در مناصبات جدید نفتی ایران حضور یابند. غلامرضا منوچهری، معاون مهندسی و توسعه شرکت ملی نفت ایران دراین‌باره گفت: شرکت‌های چینی منابع مالی خوبی در دسترس دارند و این موضوع می‌تواند همواره مورد توجه شرکت‌های دیگر برای ایجاد کنسرسیوم‌ها باشد.

آتش سوزی فازهای ۲۰ و ۲۱ پارس جنوبی مهار شد

● **ایلنا:** مدیرعامل سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس با اشاره به حادثه آتش‌سوزی در فازهای ۲۰ و ۲۱ پارس جنوبی، گفت: با حضور به‌موقع نیروهای آتش‌نشانی، حادثه بدون تلفات جانی و به‌طورکامل مهار شده است. مهدی یوسفی افزود: این آتش‌سوزی در ساعت ۱:۱۵:۱۵ باامداد روز یکشنبه بر اثر نشتی برج متانایز رخ داد. مدیر آتش‌نشانی سازمان منطقه ویژه پارس جنوبی با بیان اینکه علت آتش‌سوزی در دست بررسی است افزود: خوشبختانه این آتش‌سوزی به پالایشگاه سرایت نکرد و خسارات و تلفاتی نداشت.

چالش‌های هیدروپلیتیک؛ امنیتی‌شدن آب در ایران



درهم‌تنیدگی پدیده‌هایی مانند گرمایش زمین، دگرگونی الگوی بارش، ناکارآمدی مدیریت منابع، رویکرد کمی‌محور به توسعه، کاهش بارندگی و افت سطح آب‌های زیرزمینی و کندن بی‌رویه چاه‌های غیرمجاز در چند دهه اخیر، به بحرانی‌شدن وضعیت منابع آب کشور انجامیده است؛ به‌گونه‌ای‌که بر پایه برخی پیش‌بینی‌ها، منابع آب موجود تنها برای کمتر از ۱۰ سال پاسخ‌گوی نیازهای فزاینده کنونی است. در سال جاری دست‌کم چندین اعتراض خیابانی در استان‌های محدوده زاگرس و حوضه آبریز مرکزی با محوریت آب رخ داد که واپسین مورد آن تخریب دوباره خط لوله انتقال آب کوهرنگ به یزد توسط کشاورزان شهر اژه اصفهان در آبان جاری بود. واکاوی رخ داده‌ای یادشده نشان می‌دهند بحران آب و چالش‌های هیدروپلیتیک بنیاد هرگونه سیاست توسعه‌ای و حتی همکاری و تعامل در سیاست خارجی کشورمان خواهد بود و بحران محیط‌زیست به‌ویژه مسئله آب، از این پس به سمت مدیریت امنیتی پیش خواهد رفت. نوشتار پیش‌رو به واکاوی زمینه‌های مؤثر در فرایندگی چالش‌های هیدروپلیتیک و امنیتی‌شدن آب در ایران می‌پردازد.

مقدمه

مؤلفه‌های «کمبود» و «نیاز» در پیدایش مناسبات قدرت و جهت‌دهی به آنها نقش بنیادی دارند. داده‌های موجود نشان می‌دهند در چند دهه گذشته به دلیل پدیده‌هایی مانند دگرگونی آب و هوا در مقیاس جهانی و تغییر الگوی بارش در مقیاس منطقه‌ای، کشورهای که پیش از این، آب‌وهوای خشک و کم‌بارش داشتند، با کاهش بارش در نتیجه برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی، افت سطح آبخوان‌ها و فرونشست زمین روبه‌رو شده‌اند. بر بنیاد همین داده‌ها جهان رو به خشکیدن می‌رود. این پدیده از یک سو در مقیاس قروملی به گسترش تنش‌های اجتماعی و در مقیاس ملی و فراملی با افزایش تنش با همسایگان بر سر رودهای مرزی و مشترک انجامیده است. دراین‌میان، کشورهای واقع بر نوار خشک جهان، وضعیت نگران‌کننده‌تری دارند؛ برای نمونه ایران از کشورهای دیگر این محدوده آسیب‌پذیری بیشتری دارد؛ به گونه‌ای که بیش از ۸۰ درصد منابع آب زیرزمینی آن به پایان رسیده و مصرف آب با توجه به ناکارآمدی الگوی مصرف و افزایش جمعیت، رو به فزونی نهاده است. وضعیتی که نگرانی زیادی درباره مدیریت و امنیت آبی کشور در میان کارگزاران و کارشناسان برانگیخته است؛ به گونه‌ای که جستارهای آب و محیط زیست در قالب برنامه ششم توسعه، اولویت راهبردی رخصتی یافته‌اند. دراین‌میان درصد از آب به گونه گشوده‌تر به تبیین مسائل و چالش‌های مدیریت منابع آب کشور پرداخته‌اند. دیده‌ها و یافته‌ها گویای آن هستند که نبود آب در میان مردم هنوز جدی گرفته نشده و فرهنگ‌سازی لازم انجام نشده است؛ به گونه‌ای که نزد افکار عمومی مسائل زیست‌محیطی و گفت‌وگو درباره بحران آب نمودی لوکس و حتمی دارند. این وضعیت چه بسا به این خاطر است که گزندهای زیست‌محیطی، چون یکباره سر بر نمی‌آورند و در زمان، خود را بر جامعه تحمیل می‌کنند. بیشتر شهروندان ایرانی هنوز زرفای این رویداد ناگوار را درنیافته‌اند. هرگاه نیز چالشی درباره نبود آب آشامیدنی رخ داده، نهادهای دولتی کوشیده‌اند با هر ابزاری نیش‌آبی را برآورده کنند که گاه همراه با کف‌شکنی چاه‌های عمیق بوده است، اما چالش بنیادی آنجاست‌که در بسیاری از جاها دیگر آبی نمانده یا در چند سال آینده به پایان خواهد رسید. واقعیت آن است که بحران محیط زیست، هنوز در دستورکار درخواست‌ها و مطالبات همگانی قرار نگرفته است. آبان امسال دو مسئله‌ی‌ترانی‌سازی لوله‌های انتقال آب به یزد از سوی کشاورزان اژه اصفهان و سخنان دبیر شورای عالی امنیت ملی درباره آب، نمودهایی از بحران پیش‌گفته بودند که در آینده نیز تسامد بیشتری خواهند یافت.

پایان آب‌های زیرزمینی

۹۵ درصد منابع آب کشورمان با توجه به خشک و نیمه‌خشکیدن اقلیم آب زیرزمینی است و کمتر از پنج درصد منابع آب بر روی زمین روان است. به دیگر سخن، در صورت برداشت آب رودها امکان تأمین آب آن در بارندگی بعدی وجود دارد، اما درباره ۹۵ درصد آب زیرزمینی، مسئله چنین نیست. به این معنا که در صورت برداشت آب، بارش بعدی نمی‌تواند مقادیر برداشت‌شده را جبران کند. هزاران سال به درازا کشیده که این منابع تشکیل شوند و باید هزار سال هم شکیبایی داشت تا منابعی که از آن برداشته شده، بازگردد. در چند دهه اخیر، به علت مدیریت ناکارآمد در بخش کشاورزی، توسعه کمی‌محور و رشد جمعیت، برداشت از منابع آب افزایش یافته است. بر بنیاد داده‌های موجود، در سال ۵۰،۵۷ هزار حلقه چاه در ایران وجود داشت که کم‌از ۸۰۰ هزار رسیده است. به باور کارشناسان، ایران در صدر کشورهایی است که بیشترین میزان برداشت منابع آب‌های زیرزمینی تجدیدپذیر را داشته، به گونه‌ای‌که در پنج دهه اخیر با کاهش هفگفت اندوخته‌های آب شیرین روبه‌رو بوده است. بر بنیاد برآوردهای موجود، بیش از ۸۵ درصد منابع آب شیرین زیرزمینی کشور پایان یافته است و وضعیت منابع آبی در شرایط بحرانی قرار دارد؛ به گونه‌ای که منابع آبی کشور پاسخ‌گوی جمعیت ۸۰میلیونی کنونی نیست. به باور کارشناسان وضعیت بارش‌ر و منابع آب کنونی برای ۵۰ میلیون نفر کافی است. جای درنگ اینجاست که دست‌درازی و چنگ‌اندازی به منابع آب زیرزمینی در قالب کندن چاه‌های غیرمجاز در کشور در یک و نیم

اقتصاد

چالش‌های هیدروپلیتیک؛ امنیتی‌شدن آب در ایران



دهه اخیر با شتاب رو به فزونی نهاده است؛ به گونه‌ای که بر پایه برآوردهای انجام‌شده، هم‌اکنون نیمی از ۸۰۰ هزار حلقه چاه کشور غیرمجاز هستند، هر چند که مجوز چاه‌های مجاز، خود به واسطه رویکردهای سیاسی چند سال پیش، جای درنگ و بازنگری دارند. بر بنیاد داده‌های موجود، میزان برداشت از منابع زیرزمینی به ۸۵ درصد رسیده که نزدیک به ۹۳ درصد آن در بخش کشاورزی است که در این میان، به واسطه ضعف مدیریت و استفاده از روش‌های سنتی آبیاری، نزدیک به ۶۰ درصد آن هدر می‌رود؛ هر چند در برخی استان‌ها، به ۷۰ درصد نیز می‌رسد. در نتیجه چندین دهه ناکارآمدی مدیریت در بخش منابع آب و کشاورزی، وضعیت به گونه‌ای است که ایران در صدر کشورهایی قرار دارد که بیشترین میزان برداشت از آن منابع آب زیرزمینی تجدیدپذیر داشته است. از این رو، کشاورزی در بیشتر نواحی کشور نادرست و ناکارآمد است؛ اما با وجود این، باز هم ادامه دارد و همین امر سبب شده است تا سالانه چهارمیلیارد مترمکعب از آب‌های زیرزمینی به سطح زمین پمپاژ و ۹۰ درصد آن با بهره‌وری ناچیز ۳۰ درصدی، به مصرف کشاورزی برسد؛ بهره‌وری‌ای که قرار بود تا پایان برنامه پنجم توسعه به ۴۰ درصد برسد. از سویی دیگر، به واسطه هم‌پوشانی وظایف متولیان و کارگزاران پُرشمار بخش آب، سازمان یا وزارتخانه‌ای وجود ندارد که به طور ویژه به مسئله آب بپردازد.

وضعیت منابع آب در ایران

براساس داده‌های موجود، وسعت ایران ۱/۱ درصد پهنه خشکی‌ای که زمین و ۳/۳۵ درصد گستره قاره آسیاست. میانگین بارش در جهان، ۸۶۵ میلی‌متر و در ایران ۲۵۰ میلی‌متر است. به سخن دیگر، میانگین بارندگی‌های ایران، کمتر از یک‌سوم متوسط بارش جهانی است. این در حالی است که میانگین بارندگی ناچیز در کشور نیز پراکنش مناسبی ندارد؛ به‌گونه‌ای که بارندگی فقط در چهار درصد از خاک کشور بیش از این میانگین است و ۹۶ درصد باقی‌مانده میزان بارندگی، حتی به ۲۰۰ میلی‌متر هم نمی‌رسد. با این حال، بنیادی‌ترین سجه تعیین درجه خشکی در یک منطقه، رابطه میزان بارش سالانه و توانش تبخیر محیط است. هر اندازه مقدار بارش نسبت به توان تبخیر کمتر باشد، درجه خشکی آن منطقه بیشتر است. در ایران، به جز مناطق کرانه‌ای محدود دریای خزر، در دیگر مناطق خشک و نیمه‌خشک، تبخیر بسیار فراتر از میزان بارش است؛ برای نمونه، در یزد میانگین بارش سالانه ۶۰ میلی‌متر است، حال آنکه توانش تبخیری محیط منطقه یادشده، نزدیک به ۴ متر برآورد شده است. این در حالی است که دست‌کم در یک‌ونیم دهه اخیر میانگین بارش کشور در بیشتر موارد کمتر از ۲۵۰ میلی‌متر بوده است. برای نمونه در سال آبی ۹۲-۹۵ که در هم‌سنجی با چند سال گذشته وضعیت بارش به نسبت مناسب بود، ۲۲۱ میلی‌متر گزارش شد. دیگر آنکه فزاینندگی گرمایش جهانی به تقدیدگی و تبخیر آب بیشتر در کشور انجامیده است. بر بنیاد پیش‌بینی‌های موجود، در سال‌های آینده دمای کشور دو درجه افزایش خواهد داشت که به معنی تبخیر بیش از ۲۷ میلیارد مترمکعب از آب‌های کشور است. این میزان، در چند سال اخیر نزدیک به ۱/۱ درجه افزایش داشته است که به معنای فرابحران منابع آب شیرین در کشور است؛ وضعیتی که با گذشت هر سال و افزایش روند گرمایش جهانی، هر ژرف‌ا و گستره فرابحران آب کشور می‌افزاید. این در حالی است که در همین مدت، به واسطه افزایش جمعیت، افزایش شهرنشینی، رویکرد کمی‌محور به توسعه و ناکارآمدی الگوی مصرف، به‌ویژه در بخش کشاورزی، اندوخته‌های آبی کشور در عمل پایان یافته است. برای نمونه، میانگین جهانی سرانه مصرف آب ۱۷۰ مترمکعب است که این میزان در ایران، به ۵۰،۵۷ مترمکعب می‌رسد. وضعیتی که فرونشینی زمین را در نییمی از دشت‌های کشور در پی داشته است. در همین بازه زمانی، بسیاری از دریاچه‌ها و تالاب‌ها مانند هورالعظیم، ارومیه، بختگان، پریشان، هامون، جازموربان، طشک و مهارلو خشکیده و بزرگ‌ترین رودخانه‌های کشور مانند کارون و زاینده‌رود خاموش شده‌اند. در جهان ۳۰ درصد از جریان آب‌های سطحی حلقه محیط زیست است؛ اما این رقم در ایران ۱۰ درصد است و همین اندازه نیز در یک دهه گذشته روند کاهنده‌ای آبی کشور پاسخ‌گوی جمعیت ۸۰میلیونی کنونی نیست. به باور کارشناسان وضعیت بارش‌ر و منابع آب کنونی برای ۵۰ میلیون نفر کافی است. جای درنگ اینجاست که دست‌درازی و چنگ‌اندازی به منابع آب زیرزمینی در قالب کندن چاه‌های غیرمجاز در کشور در یک و نیم

بنا بر گفته مسئولان یزدی، مخازن شهر و استان یزد نزدیک به صد هزار مترمکعب آب دارند. این میزان ذخیره آب استان برای چهار تا پنج ساعت است و اگر عملیات بازسازی خط انتقال آب بیش از یک روز طول می‌کشید، شهر و استان یزد با چالش بنیادی بی‌آبی رو به رو می‌شد. اما آنچه بیش از همه جلب توجه می‌کند به نوعی اغماض نیست به این اقدام از سوی مسئولان استان است. زیرا بسترهای روانی و تنگنای معیشت کشاورزان به همراه اعتراض‌های چند روزه آنها، تکرار اقدام سال ۹۱ را نزد مسئولان سیاسی و امنیتی استان پیش‌بینی‌پذیر می‌کرد. تخریب سازه‌های آبی یادشده با قطعی آب، افت کیفیت آب و دعوت از مردم برای تأمین آب در نقاط خاصی از شهرهای میبد و یزد همراه شد. وضعیت یادشده واکنش گسترده مسئولان یزدی و مردم در قالب رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های مجازی را در پی داشت.

امنیتی‌شدن آب

هرگاه پدیده‌ای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، زیست‌محیطی و نظامی، ثبات، امنیت و پایداری جامعه، نظام سیاسی، همبستگی ملی و پیوستگی سرزمینی کشور را به مخاطره بیفکند، به گونه‌ای که توان در قالب قوانین و قواعد موجود آن را مهار و هدایت کرد، پدیده یادشده وارد حوزه امنیتی می‌شود. بدین معنا که آن پدیده در افکار عمومی آنچنان تهدیدی نمود می‌یابد که رفع آن استفاده از هرگونه ابزار زور را توجیه و مشروع می‌نماید. امروزه راهبرددانشاسان بر این‌س موضوع هم داستان هستند که مسئله امنیت آب در جنوب غرب آسیا که فلات ایران را نیز پوشش می‌دهد، یکی از چالش‌های بنیادی است که امنیت دولت‌های این مناطق را بر خواهد آشفست. بر بنیاد گزارش‌های موجود، کمبود منابع آبی، خشک‌سالی‌های پایایی به همراه ناکارآمدی مدیریت آب، جستار آب را به یکی از مهم‌ترین ابعاد بحران زیست‌محیطی ایران تبدیل کرده است که در آینده نزدیک نیز فزاینندگی و گسترزدگی بیشتری خواهد یافت. همین داده‌ها نشان می‌دهند با توجه به روند کنونی رشد جمعیت، جمعیت ایران تا سال ۲۰۲۵، ۱۰۵میلیون نفر خواهد رسید که این رقم به معنای کمبود ده‌هامیلیارد متر مکعب خواهد بود. چنین وضعیتی کشیده‌شدن آب به حوزه امنیتی در کشورمان را در پی داشته است به گونه‌ای که دریادار شمخانی دبیر شورای‌عالی امنیت ملی در یک مصاحبه به تاریخ ۱۶ آبان جاری اعلام کرد که «رفع مشکلات موجود در چهار محور آب شرب شهرهای جمعیت، آب شرب تهران، آب‌های مرزی و آب‌های زیرزمینی در دستور کار این شورا قرار گرفته است». بر پایه محوره‌ای ارائه‌شده از سوی دبیر شورای‌عالی امنیت ملی، تقریباً همه کلان‌شهرهای ایران به‌ویژه تهران در دستور کار قرار دارند. به دیگر سخن، به دلیل نبود آب، بوم‌سازگان‌های کشور دیگر توتانش و در حقیقت آب در این شهر جز چند سد موجود (تیتان، لارو ماملو)، دیگر گنجایش ساخت سد ندارد و اگر جمعیت تهران بیش از این افزایش یابد، امکان پاسخ‌گویی برای تأمین آب تهران وجود ندارد. حتی امروزه شاهد فاجعه فرونشست زمین و ایجاد فروچاله‌های بزرگ در پایتخت و پیرامون آن هستیم که در نتیجه برداشت بی‌رویه آب‌های زیرزمینی رخ داده‌اند.

تخریب لوله آب انتقالی به یزد

در نیمه آبان گذشته در اژه‌به اصفهان، لوله خط انتقال آب کوهرنگ به استان یزد برای دومین بار در چهار سال اخیر، شب‌هنگام از سوی کشاورزان شکسته و در نتیجه این اقدام، آب آشامیدنی مردم یزد و فولاد مبارکه اصفهان قطع شد. این رویداد نخستین بار نبود، بلکه در سال ۹۱ نیز به دلیل شکستن خط لوله انتقال آب کوهرنگ به‌دست گروهی از کشاورزان، برای چندین روز در انتقالی به یزد قطع شد. این بار نیز داستان از آنجا آغاز می‌شود که در استان کم‌بارش اصفهان، میزان بارش سالان آبی ۹۴-۹۵در هم‌سنجی با بلندمدت، کاهشی ۳۰درصدی داشت. به‌همین‌دلیل مدیریت آب آشامیدنی مردم با دشواری همراه شد. این وضعیت سبب شد دست‌اندرکاران آب به یزد منتقل شود، تا بدون شد و نباشد و این مسئله را آن دیگر مشخص نیست. مشکل منابع آب تهران بیش از دیگر کلان‌شهرهاست و باید پروای این مسئله را در حقیقت که در این شهر جز چند سد موجود (تیتان، لارو ماملو)، دیگر گنجایش ساخت سد ندارد و اگر جمعیت تهران بیش از این افزایش یابد، امکان پاسخ‌گویی برای تأمین آب تهران وجود ندارد. حتی امروزه شاهد فاجعه فرونشست زمین و ایجاد فروچاله‌های بزرگ در پایتخت و پیرامون آن هستیم که در نتیجه برداشت بی‌رویه آب‌های زیرزمینی رخ داده‌اند.

نتیجه‌گیری

موقعیت جغرافیایی ایران به گونه‌ای است که به‌ذات کم‌بارش است؛ ازاین‌رو، کمبود آب همواره بخشی از سرشت جغرافیایی ایران بوده است. اما در چند دهه اخیر، به واسطه دگرگونی‌های اقلیمی و کاهش بارش و افزایش برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی، بیش از ۸۵ درصد منابع آب کشور پایان یافته است. آب‌های زیرزمینی نیز رو به کاستی گذاشته‌اند؛ به گونه‌ای که بسیاری از روده‌های دائمی، با فصلی شده‌اند یا دیگر بسان گذشته در همه مسیر رود روان نیستند. بارگذاری بیش از توان آنها به نابودی بنیادهای بوم‌شناسی، به‌ویژه منابع آب شیرین و شهرها انجامیده است؛ ازاین‌رو، بهترین گزاره برای تبیین وضعیت منابع آب ایران این است که «مردم و کارگزاران بپذیرند «دیگر آبی وجود ندارد» و همه واکاوی‌ها و برنامه‌ها در ایران را بر «فرابحران آب» استوار باشند؛ زیرا از منابع آب کشور ۹۵ درصد زیرزمینی و بقیه روزمینی است. بر بنیاد آمارهای موجود، افزون بر دگرگونی‌های اقلیمی و کاهش بارش، رویکرد ناکارآمد سنتی به مدیریت آب و آبیاری، نهاده‌نشدن فرهنگ استفاده درست از آب، بی‌پروایی در زمینه هزینه آب در تولید محصول‌های کشاورزی، پرداخت یارانه آب در تهی‌شدن بیش از ۸۵ درصد منابع آب زیرزمینی با همان آبخوان‌ها نقش داشته‌اند؛ که پیامد آنها تهدید امنیت و ثبات درازمدت کشور است؛ به گونه‌ای‌که بیش از یک‌سوم کشور دچار فرونشست شده است. پیامدهای اجتماعی آن یک دهه است که آغاز شده است. در اینجا آنچه بیش از همه جای درنگ دارد، سخنان رئیس شورای عالی امنیت ملی است که اعلام کرد مسئله آب در دستورکار این شورا قرار گرفته است؛ زیرا هشدار درباره بحران آب را کارشناسان چند دهه پیش تره داده بودند.

ادامه از صفحه۱۸

ادامه از صفحه ۵

آینده لیبرالیسم

در بین رشد نابرابری‌ها، افرادی که از شرایط فعلی سود می‌برند، به خود می‌گویند در جامعه‌ای شایسته‌سالار زندگی می‌کنند و موفقیت آنها به‌دلیل لیاقت آنها بوده است. کارشناسان به‌کار گرفته شدند تا اقتصاد به شکفتی و درخشش خود ادامه دهد؛ اما مردم عادی سرمایه‌ر را پوششی برای امتیازات و تخصص را فریبی برای پنهان‌کردن منفعت‌طلبی تلقی می‌کردند. بعد از این مدت طولانی که از غالب‌بودن گفتمان لیبرالیسم می‌گذرد، آنها باید بازتاب عملکرد خود را دیده باشد. لیبرالیسم به‌عنوان مجموعه اعتقاداتی که در شروع قرن نوزدهم برای مقابله با حکومت‌های استبدادی و همچنین خشنونت‌ورزی‌ها، دربراره فساد قدرت نامحدود، هشدار می‌داد. این ویژگی آن ماندگار مانده است. ولسی رضایت دائمی و بسنده‌کردن به این گذشته، ابتکار و خلاقیت را از بین می‌برد. در دنیای در حال تغییر، بحث و تبادل نظر نه‌تنها اجتناب‌ناپذیر است بلکه به تجدید حیات یک سیستم می‌انجامد و ازاین‌رو، با استقبال نیز مواجه می‌شود. بااین‌همه، لیبرال‌ها باید در مقابل این کشمکش عمومی برای تغییر، پاسخی داشته باشند. در قرن نوزدهم، مانند امروز، راهکارهای قدیمی از طرف فشارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و همچنین ظهور تکنولوژی‌های جدید آن‌زمان، در حال کنار گذاشته‌شدن بود؛ مردم مشتاق نظم دیگری بودند. راه‌حل‌های کوتاه‌نظرانه و غیرمومکراتیک از سویی افسردگی که از قدرت کافی برخوردار بودند، به‌عنوان بهترین راه‌حل، دیده می‌شد. تغییرات، بسته به محافظه‌کاربودن جریان حاکم یا انقلابی‌بودن آنها، از شدت و ضعف برخوردار بود. هنوز هم می‌توان پژواک تقاضا برای بازگشت «محدودیت‌ها» را از دهان خودکامگانی شنید که سوار بر امواج خشمکین ناسیونالیسم، وعده توقف جریان جهانی‌سازی را می‌دهند. لیبرال‌ها با رویکرد متفاوت شروع به‌کار کردند، توزیع قدرت به‌جای قدرت متمرکز با بهره‌گیری از حاکمیت قانون، احزاب سیاسی و بازارهای رقابتی، به جای قراردادن شهروندان به‌عنوان خادمان و محافظان دولتمردان، درنظرگرفتن توانایی آنها در تصمیم‌گیری برای انجام بهترین‌ها برای خود و تشویق به همکاری و تجارت به‌جای سوق‌دادن جهان به سمت جنگ و نزاع. این ایده‌ها بر جهان غرب نقش بسته و باوجود مانور ترامپ روی سیاست‌های حمایت‌گرایانه، با هم دوام خواهند آورد. البته اگر لیبرالیسم بتواند از پس مشکلات دیگر بربیاید؛ از‌دست‌دادن اعتقاد به پیشرفت. لیبرال‌ها به مطلوبیت تغییر باور دارند؛ چراکه در مجموع تغییر به بهبود می‌انجامد. با اطمینان می‌توان گفت که تا چه میزان فقر، امید به زندگی، فرصت‌ها و صلح جهانی، حتی باوجود درگیری‌های موجود در خاورمیانه، در حال بهبود است. به‌راستی برای بیشتر مردم روی کره زمین، هیچ‌گاه شرایط بهتر از حال حاضر نبوده است؛ اگرچه بخش‌های بزرگی از جهان غرب، این‌گونه نگاه نمی‌کنند. آنها اعتقاد دارند این پیشرفت‌های دیگران رخ داده و ثروت عادلانه توزیع نشده و تکنولوژی‌های جدید شغل‌های آنها را به شکل بازگشت‌ناپذیری از بین برده و طبقات ضعیف به کمک و اعانه نیازمندند و دیگر فرهنگ‌ها حاوی تهدید و حتی وحشت و خشنونت برای آنهاست. لیبرالیسم برای تداوم پیشرفت باید پاسخی برای این ناامیدی‌ها داشته باشد. راه‌حل‌های گفتمان غالب لیبرالیسم در دهه‌های اخیر، رو به ضعف نهاده است. در قرن نوزدهم، اصلاحات لیبرالی با کمک به بسط آموزش‌های بین‌المللی، برنامه وسیع برای اشتغال‌زایی عمومی و تحقق حقوق اولیه نیروی کار، به تغییرات زیادی منجر شد. بعد از افزایش شبکه امنیت، دسترسی پیدا کردند. بعد از جنگ جهانی دوم، آمریکا سازمان‌های بین‌المللی را مانند سازمان ملل و صندوق بین‌المللی پول ایجاد کرد تا شکل تازه‌ای به روند تغییرات بدهد. امروز حتی نیمی از تلاش‌های این‌چنینی نیز در غرب مشاهده نمی‌شود. لیبرالیسم باید ریاضت‌های جدیدی را برای گشایش هرچه بیشتر حرکت رو به جلوی جامعه پیدا کند. قدرت باز هم می‌تواند توزیع شود و از حکومت به شهرها و مردم انتقال یابد؛ مردمی که همواره مرکز آزمایش سیاست‌گذاری‌های تازه قرار گرفته‌اند؛ این‌گونه سیاست‌ها می‌توانند تحت لوای اشتداد جدید، دموکراسی محلی، از حمایت‌های جمعی بی‌حاصل رهایی یابند. کلاف پیچیده مقررات مالیات، می‌تواند به شکل منطقی بازسازی شود. کار و آموزش می‌تواند از طریق جامعه دگرگون شده و دانشگاه‌ها به محل انتقال تعداد زیادی از مهارت‌ها به افراد بدل شود؛ در حالی‌که تعداد زیادی از صنایع انتظار آن را می‌کنند. هنوز ظرفیت‌ها و امکانات از نمی‌توان تصور کرد و نظام لیبرالی با اتکا و توجه به خلاقیت فردی مزیت‌ها و استعداد خود، پتانسیل احتمالی را برای جذب این فرصت‌ها در اختیار دارد. آیا بعد از ۲۰۱۶، همچنان رؤیای خردگرایی امکان‌پذیر است؟ هر اتفاقی محتمل است. این روزنامه معتقد است بگزینت و ریاست جمهوری ترامپ، مضرات و هزینه‌های خود را نشان خواهد داد. نگرانی ما درباره آینده، ترکیب ناسیونالیسم و کوریوراتیسم و نارضایتی عمومی است. ۲۰۱۶ سال تقاضا برای تغییر بود. هرگز نباید ظرفیت لیبرالیسم را برای بازآفرینی خود نادیده گرفت؛ حتی پس از دولت ترامپ و برگزیت در بریتانیا. نباید توانایی‌های مردم را در به‌کارگیری خلاقیت خود برای خروج از مشکلات دست‌کم گرفت. وقتی سنگ‌بنای لیبرالیسم مدارا و تفکر باز است، باید اضطراب را درباره آینده لیبرالیسم کنترل کرد.

منبع: سرفقه‌نامه شماره ۴۸خبر اکونومیست